

## بحران انسانی و نابودی موصل، درسهای موصل!

کامران پایدار

### - گفتگو نشریه سوسیالیسم امروز با شاهین معماریان

صفحه 3

شاهین معماریان

### - پیش بسوی برگزاری کنفرانس انقلاب و سوسیالیسم!

صفحه 4

کامران پایدار

### - نسل جوان ، نسل آزادیخواه و نسلی در حرکت .. " قسمت اول "

صفحه 5

عزیز آجیکند

### - اهمیت حضور زنان در جامعه!

صفحه 5

آذر کیمیا

### - شش روزی که ایران را لرزاند!

صفحه 5

عزیز آجیکند

### - حکومت نظامی در تهران!

صفحه 7

لیلا احمدی

### - ایران خودرو!

صفحه 7

کارگران پیشرو

### - گزارشی از زندان مهاباد!

صفحه 7

پرچم سرخ

از سال 2008 به این سو با شروع بحران جهانی سرمایه داری ، با رشد نزولی نرخ سود ، بواسطه بحران و بن بست عمیق و همه جانبه ای که سرمایه جهانی در آن گرفتار آمده است . از آنجایی که این بحرانهای ادواری ذاتی و بخشی از ماهیت و کارکرد ضد انسانی سرمایه است . در طی این 9 سال اخیر ، سرمایه داری جهانی در بحران، همه ابزارها و امکانات ، همه ترفندها و نیرنگها و به زبانی همه نبوغ ضد بشری خود را به کار گرفته است تا شاید راه گریز و خروجی بیابند . یک روز موسسات مالی کارگزار و مزدور سرمایه مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی حامل و مبشر خیرهای خوش می شوند و در بوقهایشان مید مند امسال شاید چند درصدی رشدی به جلو داشته باشیم ، یکبار بورس و والسترینیت را متهم می کنند ، یکبار با عوام فریبی می گویند سرمایه ها در امریکا به اشتباه در بخش مسکن سرمایه گذاری شده و این را مبنا و دلیل رکود و سقوط اقتصادی می نامند . در این دوره چندین ساله بحران لاعلاج که خود ذاتی ماهیت کارکرد سرمایه و عمدتاً ناشی از ترکیب نامتوازن ارگانیک سرمایه هست و آهنگ نزولی نرخ سود هم قطعا اجتناب ناپذیر هست سرمایه جهانی در این سالهای اخیر همه ابزار و تواناییهایش را به کار گرفته صفحه 2

تا با دروغ و عوام فریبی و ریاکاری بگوید منشا و علت اصلی این بحران و بن بست عمدتاً ناشی از برخی اشتباهات دولتها و افراد و شخصیت‌های سیاسی بوده است. اما همه اینها چیزی جز یک دروغ بزرگ و پوچ نیست. بحرانهای ادواری سرمایه ریشه در ماهیت و کارکرد خود سرمایه دارند، تا مناسبات سرمایه داری هست بحرانهای ادواری هم بخش اصلی و لاینفک این نظام سود و ثروت و کثافت و تحقیر انسان و استثمار و کار مزدوری هم هست. سرمایه داری برای برقراری شریان حیاتی سود و برای انباشت هر چه بیشتر ثروت و سرمایه و عبور از بحران ورکودچاره ای جز تهاجم وحشیانه به همه عرصه های کار و زندگی و معیشت کارگران و زحمتکشان ندارد. بسیاری از اعتراضات و مبارزات چندین ساله اخیر از جنبش نود و نه درصدیها و الاستریت در آمریکا گرفته، تا حوادث یونان و حاکمیت ارتجاعی جریان سیریزا، تا بودوموس در اسپانیا، تا مبارزات و اعتراض کارگران و زحمتکشان در تعدادی از کشورهای عربی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و... همه اینها گوشه های از اعتراض و طغیان عریان کارگران و زحمتکشان و همه انسانهای کارکن جامعه برای آزادی و برابری،

برای رفاه و خوشبختی است. همه اینها گوشه هایی و تجلیات انکار ناپذیر مبارزه کارگران و زحمتکشان در همه جای دنیای سرمایه داری بر علیه این نظام وحشت و جنون و جنایت و فقر و گرسنگی است. متأسفانه پاشنه آشیل همه این مبارزات اعتراضی در همه جای این دنیای تازیکی و سپاه عدم تشکل و سازمانیابی توده ای و غیبت احزاب جدی و واقعی کمونیستی و کارگری است. قطعاً در غیاب مبارزات متشکل و سازمانیافته، در غیاب احزاب کمونیستی رهبر و سازمانده، بی گمان در اینچنین شرایطی ثمره مبارزات و اعتراضات و همه جانفشانیها به تباهی میرود و باد هوا میشود. امروزه مشاهده وضعیت تراژیک و اسفبار کشورهای چون عراق، تونس، مصر، سوریه، لیبی، یمن و... و تحمیل طرح سناریو سپاه از جانب سرمایه داری جهانی به این جوامع همه بیان حقانیت این مدعای ساده است. موصل با جمعیتی نزدیک به دو میلیون نفر که بعد از بغداد دومین شهر بزرگ عراق است و ساکنان آن عمدتاً سنی، ترکمنها و عربها می باشند از سال 2014 تا امروز در تصرف داعش و صحنه تلخ و دردآور و ضد انسانی اجرای طرح سناریو سپاهی هست. در این سه سال گذشته بواسطه جنگ و حاکمیت اسلام سیاسی از نوع سنی و داعشی آن تمام زیرساختها، تمام مناسبات و شیرازه زندگی اجتماعی از هم پاشیده است. جنگ و کشتار جمعی انسانها، گرسنگی و بیماری و فقر، بمباران و توپ

باران ها، این سرنوشت سپاه مردم و اهالی موصل در چند ساله اخیر است. از 9 ماه پیش دولت بدون اختیار حیدر العبادی که عمدتاً کارگزار و پادو تعدادی از قدرتهای جنایتکار منطقه و جهانی است، به همراه ائتلاف جهانی سرمایه داری، با همراهی برخی از حکومتهای جنایتکار و مرتجع منطقه چون جمهوری اسلامی شیپور نا میمون مبارزه برای آزادی موصل را نواختند. به دنبال این توافقات مابین دولت العبادی و جنایتکاران جنگی منطقه و تروریسم دولتی غرب، البته تعدادی از خرده جریانات مدعی کمونیسم کارگری همیشه ناظر هم بواسطه پوپولیسم ذاتی و همیشگیشان، اینها هم به نوبه خود کاسه داغ تر از آتش شدند و در این دوره قشون کثی دولت عراق، سپاه قدس حکومت اوباش اسلامی، حشد الشعبی و همه جریانات ضد جامعه و باند سپاهی با شعار آزادی موصل، برای جنایت و برای کشتار هزاران نفر انسان بیگناه به خط شدند. از طرف دیگر بمبارانها و موشکبارانهای شبانه روزی از جانب نیروهای ائتلاف تروریسم دولتی شروع گردید. نیروهای داعش هم در داخل شهر موصل هزاران نفر زن و مرد و پیر و جوان و انسان بیگناه و بی دفاع را سپر دفاعی خویش قرار دادند. 9 ماه کشتار بلاوقفه انسانها، 9 ماه تحمیل محاصره و گرسنگی و بیماری و مرگ، 9 ماه قتل عامهای دسته جمعی، 9 ماه سپردن دسته دسته انسانها به گورهای جمعی، 9 ماه تهدید و استرس مرگ و نابودی، 9 ماه

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

البته شاید بخشی دیگر از این قربانیان گمنام در دریاها و در اعماق مدیترانه غرق شده باشند. آمار و اخبار دقیقی در دست نیست. البته بهتر است بگوییم بانیان همه این فجایع و جنایتها با سانسور و جعل نگذاشته اند که اخباری از عمق این جنایات و فجایع بشمار انسانی در دست باشد. حالا این روزها کوس آزادی موصل هم به صدا در آمده است. موصل آزاد شده! بی بی سی در تیتز خبرهایش گفت پرچم پیروزی عراق بر فراز تلی از خاک و مخروبه ویران شده موصل بر افراشته شده است! آقای مکرون هم که نماینده راست میانه فرانسه است این پیروزی را تبریک گفته است و البته همه این نمایشات مسخره و نامیمون برای مردم بلا دیده موصل پایان کار که نه، البته آغاز یک تراژدی دیگر است. از هم اکنون همه جریانات فرقه ای و مذهبی، همه آنهایی که دستشان به این جنایات جنگی آلوده است اینبار دوباره به صف شده اند برای تصاحب ثروت و قدرت بیشتر. از گوشه و کنار اخباری هست می گویند سنی ها مبادرت به تشکیل جبهه متحدین عراق نموده اند، ترکمن ها هم به تکاپو افتاده اند، حشد الشعبی و جریانات ارتجاعی اسلام سیاسی نوع شیعه مزدور جمهوری اسلامی هم به تقلا افتاده اند و... همه اینها سیگنالها و علایم هشدار دهنده ای هستند که می تواند در عرصه موصل بدون

داعش برای مردم زجر کشیده موصل سر آغاز و منشاء دوران جدیدی از جنگهای عشیرتی و قومی و مرگ و آوارگی بیشتر باشد. طبقه کارگر، همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب، همه انسانهایی که از ستم و جنایت و فساد سرمایه داری به جان آمده اند، همه انسانهایی که از طرح سناریو سیاه جنایتکارانه تروریسم اسلام سیاسی شیعه و سنی و تروریسم دولتی غرب به جان آمده اند و به دنبال دنیایی در شان و حرمت انسان هستند باید بدانند هیچ راهی برای خروج ما کارگران و زحمتکشان از این سرگذشت سیاهی که بر ایمان رقم زده اند مقدر نیست مگر به قدرت مستقل و متحد ما در کمیته های محلات در مجامع عمومی و شوراهایمان، مگر در قدرت مستقل ما در ملیس توده ایمان، مگر جز تکیه و تاکید ما بر احزاب رزمنده و جدی و هشیار و مسئول کمونیستی و کارگرمیان، مگر جز سازماندهی ما برای سوسیالیسم فوری برای انقلاب کارگری!

### گفتگو نشریه سوسیالیسم امروز با شاهین معماریان

سوسیالیسم امروز: نظر شما در مورد سازمان یابی طبقه کارگر در ایران چیست و آیا در حال حاضر طبقه کارگر سازمان صنفی خود را دارد و یا در حال تلاش برای شکل دادن به آن میباشد؟  
شاهین معماران: طبقه کارگر

از ابتدای پیدایش اش، تشکل "صنفی" خودش را داشته است. اگر در مورد مفهوم "صنفی" بگوییم، به این معنا که تشکل وجود دارد و داشته - اگر چه در سطوح ابتدایی برای اعتراض به وضع معیشت کارگر و برای پیشبرد منافع اقتصادی در مقابل کارفرما، وقتی جایی، در محیط کار یا زندگی طبقه کارگر اعتراض یا اعتصابی شکل میگیرد، حتما سازماندهی، بمعنای همبستگی امور، وجود دارد.

سوسیالیسم امروز: در حال حاضر سازمانهایی به عنوان تشکلهای کارگری در حال فعالیت هستند. از نظر شما به چه میزان این سازمانهای برآمده از خود طبقه کارگر و یا نمایندگی این طبقه را میکند؟

شاهین معماریان: اگر منظور نهاد دولتی مثل خانه کارگر و شورای اسلامی کار است، که خوب این ها قطعاً نماینده بورژوازی و دولت مدافع اش هستند. اما جمع هایی از سیاسیون طبقه کارگر و یا کارگران سیاسی، وجود دارند که از ابتدای تشکیل شان، در تلاش برای "تشکل یابی" طبقه کارگر و دفاع از حقوق کارگر بودند. اما از آنجایی که از طرفی به دلیل نوع مکانیسم حاکم و خودساخته بر آن جمع ها، واز سوی دیگر عدم چفت بودن با کارگران در محیط کار و زندگی، در ایجاد ظرفی برای نمایندگی شدن مطالبات پرولتاریا ناکام ماندند. و در نهایت نتوانستند از حضور کارگران و اعتراض همیشگی آنها در جهت سازمان یابی طبقه کارگر استفاده کنند. زمانی مطالبه یا اعتراض کارگران در تشکلی نمایندگی خواهد شد، که حضور فیزیکی کارگران از صفر تا صد از تصمیم گیری تا

عمل تضمین شود. به نوعی باید امور را توسط مکانیسم دیگری در اختیار خود کارگران قرار داد. سدی به نام هیات مدیره در برخی از "تشکل" ها، یا مایل به سندیکالیسم از سوی رفرمیست ها هم باید به این لیست اضافه شود

سوسیالیسم امروز: پیش شرطها و ملزومات شکل گیری سازمانهای صنفی کارگری از نظر شما چه میباشد؟

شاهین معماریان: همان طور که بالا هم توضیح دادم، تمام پیش شرط های عینی برای سازمان یابی نه تنها وجود واقعی دارند، بلکه تشکل های ابتدایی در سطح جمع های مشورتی و تصمیم گیری وجود دارند، و باید به سطوح بالاتر سازمان یابی و تشکل یابی ارتقا یابند. به نظر من حتی برای قدرت یابی پرولتاریا نیز شرایط عینی فراهم است. سرمایه دار زنده است، پس گورکن اش هم بالای سرش ایستاده! اما اینکه موانع چیست؟ به نظرم عوامل ذهنی که باعث تفرقه در صفوف طبقه کارگر میشود دلیل اصلی است. باید از میان برداشت عوامل ذهنی ای مثل ناسیونالیسم، مذهب و خرافه و قدرت یابی کارگران به عنوان طبقه، در سطح سیاسی و اجتماعی کلان و در برابر کارفرما به صورت مبارزه بر سر بهتر شدن وضع زیست اش موجود است، که بخشی از همین عوامل ذهنی اند. این وظیفه بر عهده کارگران آگاه، کارگران کمونیست و رهبران فعال اجتماعی طبقه کارگر است؛ که به وفور در میان پرولتاریا، مبارزات جاری طبقاتی را سازمان میدهند. باید راهی

مکانیسمی پیاده کرد که این رهبران و فعالان اجتماعی طبقه کارگر با شبکه وسیع و اجتماعی کارگری که در اختیار دارند، به مرحله بالاتری از سازمان یابی برسند. این هم ضعف جمع های موجود دلسوز کارگران بوده و هم راه کار پیش رو است.

**سوسیالیسم امروز:** پیش شرط حزبی کمونیستی و کارگری که بتواند به حزب طبقه کارگر و نماینده خواسته های آنها تبدیل شود در گرو چیست؟

**شاهین معاریان:** این سوال البته خیلی با سوال های بالا تفاوت دارد. نه اینکه به هم مربوط نیستند. ببینید برای "حزب" ای که قصد قدرت یابی به نفع پرولتاریا را دارد، مطمئناً باید پارتمترهایی داشته باشد که بتواند این "نیروی تغییر تاریخ" را سازمان دهد. از امر اجتماعی شدن و بودن حزب کارگری و کمونیستی تا چفت شدن و انتگره شدن با مطالبات پرولتاریا را دربر میگیرد.

**سوسیالیسم امروز:** بعد از تجربه حزب توده که در مقطعی معین این امکان را پیدا کرد که بخش زیادی از کارگران و سازمانهای صنفی را حول این حزب سازمان دهد، ما علیرغم اینکه بعد از انقلاب ۵۷ دهها حزب و سازمان چپ و کمونیست تشکیل شدند ولی متأسفانه هیچکدام از این احزاب نه تنها نتوانستند در میان کارگران نفوذی پیدا کنند بلکه خود به جریانات حاشیه ایی و محافل بی ربط به این طبقه تبدیل شده اند. شما علت را درجه می بینید؟

**شاهین معاریان:** اول باید متذکر شوم که حزب توده را نمی توان به عنوان یک حزب

جهان داریم از این سازمان هایی که پرتعدادند اما در حاشیه ی سیاست و جامعه هستند. اما بخش دوم؛ حاشیه ای بودن و غیر اجتماعی بودن، اصلاً کم تعداد بودن نیست. این هم نیست که سرشماری کنیم، ببینیم چندتا کارگر در فلان سازمان هست و یا نه. حتماً حزب کمونیست و کارگری و اجتماعی وجود دارد. اجتماعی بودن را باید جایی بررسی کرد که وقتی حزب اجتماعی، کمونیست و کارگری ضعیف می شود، اعتراض پرولتاریا و تاثیرگذاری طبقه کارگر هم ضعیف می شود. اگر عقب می رود آن یکی هم به ناچار عقب می رود. در تاریخ ایران داریم. خیلی عقب تر با شریطی عقب مانده تر از لحاظ رشد سرمایه، ی انقلاب اکتبر؛ به طور مثال حزب لنین، بلشویک ها، جریان سیاسی ای بودند که اتفاقاً کم تعداد بودند در مقیاس اس آر ها یا منشویک ها. اما حزب اجتماعی بود چرا که قدرت را گرفتند، کارگری بودند چرا که امور را به کارگران بازگرداندند. باز هم می شود توسط حزبی اجتماعی و کمونیستی از جنس لنین و مارکس و انگلس، تاریخ را به نفع طبقه کار و آزادی و برابری بچرخانیم.

### پیش بسوی برگزاری کنفرانس انقلاب و سوسیالیسم!

رفقا و دوستان گرامی!

تا برگزاری کنفرانس موسس حزب چندان زمان زیادی باقی نمانده است. کنفرانس موسس حزب، باید کنفرانس انقلاب و

سوسیالیسم فوری باشد، کنفرانس موسس حزب باید پرچم همدلی و هم نظری و اتحاد و یگانگی همه ما کمونیستها را برافرازد. کنفرانس موسس حزب پرچم انقلاب کارگری و رهایی کارگران زنان و جوانان و زحمتکشان است. کنفرانس موسس حزب، پایبندی و تعهد به آرمانهای کمونیستی است. کنفرانس موسس حزب، یگانه راه سرنگونی بساط ننگ و کثافت حکومت اوباش اسلامی و حاکمان بیکاره است، کنفرانس موسس حزب، یعنی نه به اسلام و مذهب و خرافات، یعنی نه به حجاب و آپارتاید جنسی، کنفرانس موسس حزب، پرچم آزادی و برابری و رفاه و خوشبختی همه انسانها در یک جامعه مدرن و سکولار است. کنفرانس موسس حزب جنبش بازگرداندن آزادی و اختیار و حرمت انسان است. کنفرانس موسس حزب یکبار دیگر تجدید میثاق همه ما با آرمان و اندیشه های والای همه جان باختگان راه سوسیالیسم و آزادی است. کنفرانس موسس حزب، پرچم بلند رادیکالیسم، سکولاریسم، مبارزه پراتیکال، مدرنیسم و اومانیزم و کمونیسم منصور حکمت و تلاش بلاوقفه برای برپایی یک دنیای بهتر است، کنفرانس موسس حزب، پرچم مبارزه بی امان بر علیه جنگ و ویرانی و جنایت و کشتار انسانهاست. کنفرانس موسس حزب، پرچم رزم بزرگ ما کمونیستها برای

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

## اهمیت حضور زنان در جامعه!

یکی از مهمترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه یافتگی یک کشور میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می باشند. هر چه حضور زنان در اجتماع فعالتر و موثرتر باشد کشور پیشرفته تر و توسعه یافته تر خواهد شد. لیکن میزان نقش و مشارکت زنان در جامعه بویژه در زمینه های اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی تا حد زیادی وابسته به بر خورد و نگرش آن جامعه نسبت به زن می باشد. با توجه به ضرورت حضور و مشارکت حقیقی زنان در عرصه های مختلف فعالیت ها برای تحقق جامعه مدنی رشد و بالندگی جامعه بانوان کشور و نیز تسریع فرایند توسعه و محقق شدن عدالت اجتماعی چنانچه به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت و بستر مناسب آنان را در تمام صحنه ها فراهم خواهد آورد. پدیده اشتغال و کار از ابتدای زندگی اجتماعی بشرموردتوجه بوده هر یک از دانشمندان به نوعی در باره این مساله سخن گفته اند. اشتغال زنان همراه با مردان در مزارع و در خانه امری عادی تلقی می شد. هر چند تکنیک نقش ها و وظایف جز اصلی اشتغال محسوب می گردد. امروزه اهمیت اشتغال و نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد توجه است و توجه به مساله اشتغال زنان این نیروی عظیم که نیمی از جمعیت جهان هستند و نیز

نابودی نظام سرمایه داری ، برای لغو کار مزدی و برای محو هرگونه استثمار انسان از انسان است . کنفرانس موسس حزب ، پرچم مبارزه تخفیف ناپذیر ما کمونیستها بر علیه سرمایه داری و مذهب و ناسیونالیسم است . کنفرانس موسس حزب ، یعنی نه به اپورتونیسیم ، نه پوپولیسم ، نه به انواع سیاست انحرافی و راست و رشکستگان سیاسی ، کنفرانس موسس حزب ، پرچم حزب سازمانده انقلاب کارگریست ، کنفرانس موسس حزب پرچم سازماندهی انقلاب و تصرف قدرت سیاسی به همت شوراهای سراسری کارگران و زحمتکشان است . کنفرانس موسس حزب ، پرچم سرخ ملیس توده ای و رزمنده است برای در هم کوبیدن مقاومت و سرمایه داران ، برای در هم کوبیدن هرگونه طرح سناریو سیاهی از جانب سرمایه داری و فرقه های متفرقه مذهبی ناسیونالیستی . کنفرانس موسس، حزب پرچم مبارزه و حزبییت و مدرنیسم کمونیستی است به دور از هرگونه مصالحه کاری ، به دور از هرگونه فرقه گرایی مذهبی و خرافاتی و عدم شفافیتها و... کنفرانس موسس حزب پرچم افشاء و طرد کمونیسم اردوگاهی مذهبی و شرق زده است .

**زنده باد کنفرانس موسس حزب نوین کمونیستی و کارگری !**

بررسی جامعه شناسیان بسیار مهم است. مساله اشتغال و مشارکت به همراه زیر بنای فرهنگی قوی یکی از معیارهای مهمی است که در هر جامعه نشانه رشد و توسعه آن کشور محسوب می شود. زنان در سراسر جهان به نحوی با محدودیت ها و نقض حقوق شان رو به رو اند اما در این میان زنان در جوامع توسعه نیافته به ساختار طبقاتی و فرهنگ سنتی بیش تر با ستم و تبعیض مواجه اند. هر چه ساختار جامعه بسته و طبقاتی باشد و از نظر فرهنگی در سطح پایین تری قرار داشته باشد و فرهنگ و ارزش های مردسالارانه در آن حاکم باشد، در آن جامعه ستم و محدودیت علیه زنان ساختاری تر و ریشه دارتر می باشد. تاریخ مبارزات آزادی خواهانه ی زنان حکایت گر این واقعیت است که ناتوانی زنان علت اساسی ستم و نقض حقوق زنان بوده و روایت و تعریف های نادرست از شخصیت زن را توجیه پذیر می سازد. اولین گام برای رهایی زنان از ستم و خشونت این است که ساختار ها و مناسبات نا برابر در جامعه شکسته شوند و زمینه های رشد و توان مندی برای افراد جامعه اماده شوند و جنبش دادخواهی زنان توسط خود زنان شکل بگیرد و رهبری شود و زنان برای توان مند شدن و گرفتن حقوق شان مبارزه ی دوام دار کنند.



**شش روزی که**

**ایران را لرزاند!**

**عموما جنبش های دانشجوی جنبشهایی هستند که به لحاظ سنی به شدت جوانند و از پویاترین گروه های اجتماعی محسوب می شوند.**

بدون شک تاریخ هرکشوری شاهد حوادث و رویدادهای مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود می باشد که بنا به دلایل مختلفی همین مسائل می تواند در یک چشم به هم زدن منجر به بروز نوعی اعتراض در سطح جامعه شود. فارغ از هر گونه بحث و بررسی پیرامون این دلایل بسیار ساده میتوان گفت که ایجاد رعب وحشت و نقض حقوق انسانها و عدم دموکراسی در سطح هر جامعه ای می تواند تولید کننده یک فضای سیاسی و انقلابی و حتی اعتراض آمیز در سطح عموم شود.

نگاهی به تاریخ جنبشهای زنده در جامعه و یا هر جنبشی دیگر تا به امروز که برای قدرت حاکمان خطر جدی بوده باشد ، ما را با رویدادهای تلخ و شیرین زیادی مواجه میکند که بدون شک فصل مشترک همه این تحولات میدان داری جوانان به ویژه دانشجویان بوده است. از انقلاب سال 1357 مردم ایران علیه استبداد رژیم شاهنشاهی گرفته تا مدیریت هر اعتراض و جنبش و مبارزه ای در تمام بخشهای جامعه حتی در بین اپوزیسیون مخالف رژیم و اعلام مبارزه علیه رژیم و دست بردن به اسلحه برای دفاع از خود و



آرمانهای انقلابی و پیش بردن مبارزه مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی در فاصله 38 سال قبل در جای ایران، می تواند گویای این واقعیت باشد و نشان دهد که جوانان و دانشجویان ایفای نقش کرده اند و در آن شرکت داشته اند.

حادثه کوی دانشگاه تهران یا به قول روز 18 تیر یکی از اتفاقات مهم در عرصه فعالیت دانشجویی و در عین حال سالروز یک حرکت پر افتخار مبارزاتی در تاریخ جنبش دانشجویی و ثبت یک جنایت دیگر علیه دانشجویان در پرونده سران جمهوری اسلامی است. حوادث 18 تیر و مبارزات چند روزه متعاقب آن، که تا 23 تیر سال 1378 طول کشید نشانگر توانایی و ظرفیت مبارزاتی دانشجویان علیه ستم های یک رژیم استبدادی و هار اسلامی می باشد. رویدادهای این شش روز تاریخی با اعتراض دانشجویان به و توقیف روزنامه "سلام" تصویب کلیات طرح اصلاح قانونی انجام گرفت که بر اساس آن، محدودیت های بسیار گسترده تری به مطبوعات تحمیل می شد.

جنبش دانشجویی در طی دوران حاکمیت جمهوری اسلامی تا آن سالها نیز روزهای سختی را پشت سر گذاشته بود و قربانی ها داده بود. روزگاری که دولت مردان ایران کوچکترین نقد های دانشجویی را نیز بر نمی

تافته و به سرعت در صدد مقابله با آن بودند.

جنبش دانشجویی در چنین محاقی به سر می برد که خرداد ۷۶ فرا رسید. تا پیش از رخداد 18 تیر بخش گسترده ای از جنبش دانشجویی تحت رهبری دفتر تحکیم وحدت از گفتمان اصلاح طلبی دینی در ایران حمایت میکرد. اما خیزش 18 تیر نه تنها اقتدار ولایت فقیه و همه دم و دستگاه و دارودسته آن را بزیر سؤال برد بلکه به فاصله گیری روز افزون از گفتمان اصلاح طلبی به سمت شعارهای ضد دیکتاتوری قدم برداشت.

طی این روزها بارها جنبش دانشجویی خود را محک زد و شش روز جامعه ایران را به لرزه در آورد. نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی تشکیل شده از اصلاح طلب و اصولگرا در یک جبهه متحد به جان معترضان افتادند و خونهایی را ریختند و شمار زیادی را نیز دستگیر کردند. در آنروزها شهر کاملاً چهره نظامی به خود گرفت و هلیکوپترها بالای سر معترضان به پرواز درآمدند و شهر تهران سیمای روزهای قیام را در فاصله کوتاهی به خود گرفت.

در آنروزها و در طول این جنبش شش روزه در واقع نسلی برخاست که نیروی اصلی اش با شعارهای دوران گذشته خود خوانایی نداشت. شعارهای دیگری را در دستور کار خود قرار داده بود و با شعار مرگ بر دیکتاتوری می خواست قدم جدی تری را در راه بر آورده

کردن خواسته های خود بر دارد.

روشن است که در دوره گذشته چه به دلیل جنگ و چه به دلیل بسته بودن دانشگاهها و غیره، زمینه چندانی برای حضور جنبش دانشجویی مستقل وجود نداشت. اما با این همه این جنبش پس از سالها دوباره سر بر کشید. یعنی در ابتدا حتی در مقایسه با تحول عمومی جامعه، دانشجویان دیر به حرکت درآمدند. بعد از این رویداد عملاً تشکلهای دانشجویی یکی پس از دیگری شکل میگیرند. و این نسل، نسلی است که گرچه از یک دوران سخت و فضای خفقان پا به بیرون کشیده و بیرون آمده قصد دارد با گذشته خود وداع کند و مرز بندی داشته باشد و راه دیگری را برای سرنوشت سیاسی خود رقم بزند.

امری که نشانگر این واقعیت است که نسل جوان با شعارهای دوران پیشین وداع کرده است. در این روند يك جرعه ی سیاسی برای بروز آن کافی بود. دستگیری برخی از رهبران جنبش دانشجویی و سپس بسته شدن روزنامه سلام آن جرعه سیاسی بود که به انفجار جنبش دانشجویی در 1378 منجر شد که با حمله به کوی دانشگاه به اوج رسید. یعنی وجود آن زمینه مادی و فرصت سیاسی پس از حرکت تازه خود و آن جرعه انفجار، به بزرگترین جنبش اجتماعی دانشجویی انجامید که در روند خود جبهه جدیدی را گشود. جنبش دانشجویی به سرعت

دریافت که نمیتواند خود را در حد خواستههای اصلاح طلبان بخشی از حاکمیت محدود کند.

جنبش به تدریج الگوهای جدیدی را آغاز میکند و در عین حال خود را از يك دو راهی بیرون میکشد.

در واقع آن زمینه مادی، آن فرصت سیاسی و این جرعه انفجار جامعه را وارد دوره جدیدی کرد. آنچه دانشجویان در شش روزی که ایران را لرزاند به نمایش گذاشتند مهمترین جلوه خواست یک جامعه پیشرو مترقی در تامین آزادی و دموکراسی بود.

گر چه در تیرماه 78 شمار زیادی از مردم به صفوف دانشجویان پیوستند و با شعارهای روشن ضد دیکتاتوری خود خواست نفی این رژیم را در ابعادی توده ای بیان کردند. اما متأسفانه این مبارزات سازمان یافته نبود و فاقد رهبری پیشرو و بود. مبارزات عظیم و شجاعانه روزهای 18 تا 23 تیرماه سال 1378 بدون سازمان و رهبری و بدون افق سیاسی روشن، آماج حملات سازمان یافته رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و در آن مقطع سرکوب شد. جانان سپاه در خرداد 88 نیز وقتی با امواج مبارزات توده ای و ضد دیکتاتوری روبرو گردیدند دوباره در روز 25 خرداد به کوی دانشگاه حمله ور شدند. آنان در جریان این حمله وحشیانه سه پسر و دو

دختر دانشجو را کشتند، عده زیادی را زخمی و یا دستگیر نمودند با این تصور که سرچشمه اعتراضات توده ای در دانشگاه است باید خشکانده شود.

امروز بعد از گذشت 18 سال ترس از احیای جنبش دانشجویی در سیمای مقامات اول رژیم و از جمله خود خامنه ای پیداست. ترس خامنه ای از آنتشی است که در دانشگاه های ایران زیر خاکستر نهفته است و هر آن امکان زبانه کشیدن آن می رود. جلوگیری از احیای جنبش دانشجویی می تواند یک آرزوی خام باشد و بس.

روز 18 تیرماه به نام روز تهاجم وحشیانه جمهوری اسلامی و روز مبارزه و مقاومت دانشجو و همراهی و هم‌رزمی توده مردم در تاریخ مبارزات جنبش دانشجویی ثبت شد. در سالگرد این روز تاریخی، با ابراز تنفر از وحشی‌گریهای رژیم جمهوری اسلامی در دانشگاه های ایران و با اطمینان از احیای سرفرازانه جنبش دانشجویی به همه جانباختگان این عرصه از مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم ایران درود می فرستیم.

### حکومت نظامی در تهران!

حکومت اوپاش اسلامی سرمایه داران، در هراس از اعتراضات مردمی، در هراس و کابوس مرگ از فرو ریختن بساط جنایت و فسادش، اخیراً در سطح شهر تهران

، در میادین و چهارراههای اصلی، در ورودی و خروجی شهر، با گسیل هزاران تن از مزدوران پاسدار و بسیجی و لباس شخصی ها، عملاً و به صورت اعلام نشده ای فضای ارباب و سرکوب و تفتیش و حکومت نظامی اعلام نشده ای را به زندگی توده های زحمتکش تحمیل نموده است. دسته جات مزدوران حکومت و لباس شخصی ها، با ایجاد موانع ایضایی و بند آوردن خیابانها و مراکز اصلی شهر به تفتیش داخل خودروها و بازرسی بدنی جوانان می پردازند. حکومت نظامی اعلام نشده و تعرض وحشیانه اوپاش اسلامی خشم و اعتراض و تنفر عمومی را بر انگیزخته است. حکومت آخوندهای مفتخور و قاتل و جانی، حکومت در بحرانهای لاعلاج اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، حکومت جانی و فاسدی که بانی و باعث تروریسم و فقر و بیکاری، گرانی و سانسور و اعدام و شکنجه و زندان است در هراس از کارنامه سیاه 38 ساله سراسر جنایت و فساد و قتل و دزدیش چاره ای جز تکیه بر سرکوب عریان و تکیه بر تفنگ و زندان و شکنجه و اعدام ندارد. ایجاد فضای نظامی و سرکوب، تفتیش و تعرض به زندگی خصوصی مردم بشدت محکوم است. حکومت اسلامی و همه مزدوران ریز تا درشتش بهتر است بدانند دیر نیست آن روزی که به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاههای علنی به محاکمه و اعتراف کشیده شوند. حکام جنایتکار اسلامی بدانند

سرزمینی را که با سر نیزه شخم میزنند دیر یا زود محصولی جز طوفان برایشان نخواهد داشت. کارگران و زحمتکشان، جوانان و زنان آزادیخواه، پیش به سوی تشکل یابی و سازماندهی کمیته های محلات، پیش به سوی سازمان یابی اعتراضات عمومی و جمعی در همه ابعاد به گستردگی همه عرصه های کار و زندگی و..

### ایران خودرو! 4 ماه دستمزد پرداخت نشده کارگران

بیش از 1000 نفر از کارگران خط تولید ایران خودرو مرکزی از اسفند ماه 95 تا کنون بیش از 4 ماه است که دستمزدهای مربوط به اسفند 95 و دیگر ماههای فروردین، اردیبهشت و خرداد را تا کنون دریافت ننموده اند. دستمزدهای کارگران بعلت کارشکنی کارفرما پدرهوا رها شده است. عوامل کارفرما در آخرین روزهای پایانی سال 95 فقط با پرداخت عیدی کارگران هر گونه پرداخت دستمزد ماهیانه کارگران را متوقف و مسدود نموده اند. بهانه عوامل کارفرما رکوداقتصادی و کسادبازار است. هم اکنون کارگران و خانواده های محرومشان در طی چهار ماه گذشته، بعلت عدم دریافت دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، بعلت گرانی و تورم سرسام آور زندگی، بعلت اجاره خانه های عقب افتاده و... برای گذران امورات روزمره زندگیشان با مشکلات و معضلات لاینحل و عدیده ای روبرو هستند. در طی 4 ماه

گذشته، هرگاه عوامل کارفرما و حکومت اوپاش اسلامی سرمایه داران با اعتراضات کارگران روبرو شده اند در وهله اول با تهدید به اخراج و بیکارسازی کارگران معترض، با تکیه بر تشدید فضای سرکوب و ارباب پلیسی و در نهایت هر از چند گاهی با پرداخت مبالغ ناچیز 200 تا 300 هزارتومانی تحت عناوین مسخره ای چون پرداخت مساعده و علی الحساب از پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده کارگران طفره و خودداری نموده اند. یکی از کارگران می گفت: همه درها به رویمان بسته شده، اجاره خانه عقب افتاده، غم نان و تهیه خورد و خوراک روزانه، شرمندگی در مقابل خانواده و هزار و یک مشکل دیگر و تازه بدتر از همه اینها قراردادهای موقت کار و تهدید هرلحظه به اخراج و بیکاری کابوس تاریک شبانه روزی زندگی ما کارگران در سایه حکومت اسلامی سرمایه داران است.

ایران خودرو مرکزی با بیش از 4000 نفر کارگر، با قراردادهای موقت کاری 3 و 6 و 9 ماهه، با شیفتهای کاری 8 و 12 ساعته و دستمزد های 800 هزار تومانی واقع در جاده مخصوص کرج تهران از جمله مراکز اصلی خط تولید ایران خودرو می باشد.

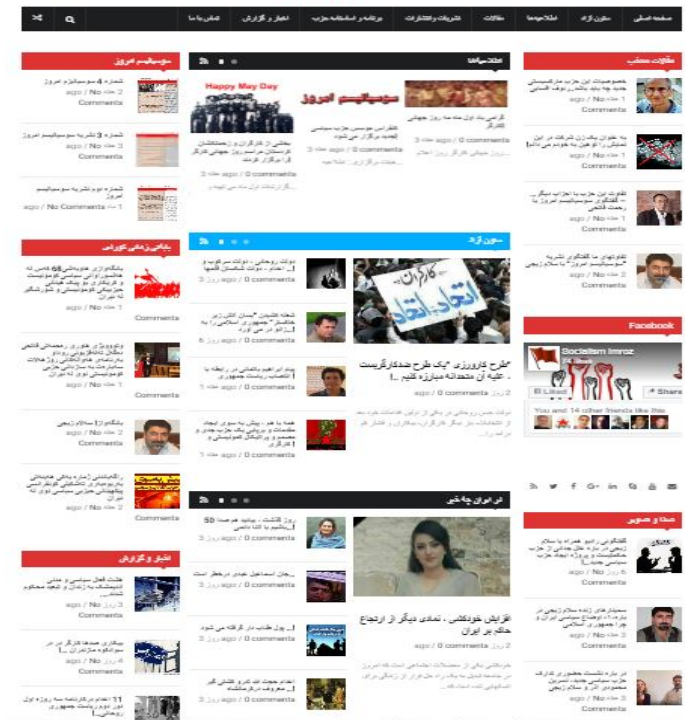
کارگران پیشرو

### گزارشی از زندان مهاباد!

زندان مهاباد یکی از بدترین زندانهای جمهوری اسلامی است. وضعیت زندان شهرستانها معمولاً وضعیتی

پیش بسوی تشکیل کنفرانس موسس حزب!

موازین انتشار نشریه سوسیالیسم امروز: سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است! مقالاتی در این نشریه منتشر میشود که تنها برای این نشریه فرستاده شود. مسنولیت مقالات با نویسندگان آن است. حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ 4 با فونت 12 میباشد. مقالات خود را به آدرس ایمیل زیر بفرستید  
rahmatfatehi@yahoo.co.uk



به مراتب سختتر و غیرقابل تحملتر از زندانهای مرکز است، علاوه بر این وضعیت زندانها در مناطق کوردنشین، هولناکتر از دیگر مناطق ایران است.

پیش از این نیز برخی گزارشها از زندان مهاباد منتشر شده که گوشه‌ای از وضعیت اسفبار زندگی زندانیان را به تصویر می کشید. زندان مهاباد فاقد تمهیدات ایمنی و حتی کمترین امکانات سرمایه‌ی و گرمایشی است. در فصل سرما، دمای هوای بندها بسیار سرد و در فصل گرما نیز بسیار گرم است. این زندان از نظر امکانات رفاهی و سرگرمی برای زندانیان، فاقد هرگونه امکاناتی است. زندانبانهای مهاباد به دلایل نامشخص و به تکرار، اقدام به بازرسی اتاق‌ها و وسایل زندانیان می‌کنند و در اغلب موارد این بازرسی‌ها با ضرب و شتم زندانیان و تحقیر و توهین همراه است. تا حالا چندین بار تعدادی از زندانی‌ها را به خارج بند منتقل کردند و آنها را دست بند زده و با فحاشی و تنبیه و با آب پاشیدن آنها را اذیت کرده اند.

زندان مهاباد دارای پنج بند میباشد که هر بند دارای چهار اتاق 12 متری است. آمار استاندارد زندان مهاباد دویست نفر می باشد اما متأسفانه آمار اکنون زندان مهاباد به 570 نفر رسیده و گفته میشود که در حال حاضر حتی راهرو

هم شده و حتی بعضی زندانیان بعلت محرومیت از درمان مناسب در زندان دچار مشکلات جدی شده اند و در سالهای گذشته هم چندین نمونه از فوت زندانیان به چشم خورده که متأسفانه بدلیل عدم رسیدگی مسئول زندان، جان خود را از دست داده اند.

برای 570 نفر زندانی تنها پنج کویسک تلفن وجود دارد. ماموران افسر نگهبانی از بیرون کارت تلفن جهت فروش به زندان می آورند که برای مثال یک کارت 5 هزار تومانی را به 20 هزار تومان به زندانی ها می فروشند.

برخورد افسر نگهبانها با زندانیان اصلا خوب نیست و آنها بدون هیچ ملاحظه ای به زندانیان تهمت می زنند و بی احترامی میکنند.

زندان نیز پراز زندانی که متأسفانه باید روی کف سالن، کتابی بخوابند. برای این پنج بند سه حمام و هشت دستشویی وجود دارد و امکانات لازم را ندارند.

وضعیت بهداری زندان مهاباد هم چیزی مثل وضعیت خود زندان است. برای بیماری‌هایی مثل سرماخوردگی و تب و سردرد و پادرد و اینطور چیزها هم رابط بند یک بسته قرص دارد که از آن به زندانی داده می شود. هر دو هفته یکبار رابط بند به بهداری می رود و سهمیه قرص بند را می‌گیرد.

کلا این بهداری از ساعت 10 تا 11 باز است و در طول روز ده نفر میتوانند از امکاناتی که در بهداری هست استفاده کنند. این عدم رسیدگی و بی توجهی به درمان زندانیان موجب فجایعی



برای تماس با هیئت هماهنگ کننده تدارک کنفرانس موسس حزب با آدرس ایمیل و شماره تلفنهای زیر تماس بگیرید:

Iransocialist2017@gmail.com  
00447740076631  
0046762349683

هیئت تحریریه:  
رحمت فاتحی- رئوف افسایی- سلام زیجی- عزیز اجیکند - بابک باجلانی